

مبانی نظری و الزامات اجرایی توسعه پایدار گردشگری روستایی

رضا قادریبگ زاده¹، قادر بایزیدی²

1- مربی گروه معماری، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

Email: rgbz2014@gmail.com

2- استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: Q_Bayzidi@yahoo.com

چکیده

امروزه گردشگری به صنعتی مهم و درآمدزا در جهان تبدیل شده است که توجه اغلب کشورها را به عنوان یکی از مهمترین زمینه های کسب و کار به خود جلب کرده است؛ با این حال در ایران که به لحاظ پتانسیل ها و جاذبه های گردشگری از کشورهای بسیار مناسب توسعه و گسترش این صنعت می باشد، متأسفانه امکان بهره برداری مناسب از این پتانسیل ها هنوز به طور کامل تحقق پیدا نکرده است. در این مقاله تلاش شده تا ضمن رویکردی به وضعیت نامناسب گردشگری، ابعاد و پتانسیل های گردشگری روستایی در ایران - به عنوان یکی از منابع درآمد گردشگری در سالیان اخیر- مورد بررسی قرار گرفته و با ارایه مبانی نظری و تئوریک در زمینه پژوهش، راهبردها و راهکارهای رسیدن به توسعه پایدار در زمینه گردشگری روستایی تبیین شوند.

کلمات کلیدی: گردشگری، گردشگری روستایی، ایران، توسعه پایدار

1- مقدمه

در کشور ما اهمیت دادن به توریسم به عنوان منبع درآمد ملی به طور رسمی از سال 1314 شمسی مورد توجه قرار گرفت و سازمان‌هایی همچون اداره امور جهانگردی و شورای عالی جهانگردی زیر نظر وزارت کشور و پس از آن سازمان جلب سیاحان، رسیدگی به امور جهانگردی را عهده دار شدند.

نکته‌ای که از لحاظ برنامه‌ریزی و رویکردهای مدیریتی گردشگری در ایران قابل ذکر می‌باشد این است که به طور کلی جهت‌گیری‌های توسعه توریسم در سال‌های قبل از انقلاب، توسعه توریسم خارجی و تحصیل درآمد ارزی بیشتر بود برای نمونه در برنامه چهارم عمرانی (51-1347) هدف اصلی توسعه توریسم، افزایش جهانگردان از 298 هزار نفر به 520 هزار نفر در سال 51 و طولانی‌تر کردن متوسط مدت اقامت آنها به میزان حداقل 8 روز بود اما بعد از انقلاب اسلامی ایران در کنار کسب درآمد ارزی به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توریسم هم توجه شده است و هدف از توسعه توریسم جدا از منابع اقتصادی، شناساندن فرهنگ و تمدن ایران اسلامی به جهانیان، ایجاد زمینه‌های مناسب برای صدور معنوی انقلاب، شناسایی نقاط طبیعی و دیدنی در سراسر کشور و ترغیب مردم به بازدید از این نقاط در اوقات فراغت به منظور آشنایی با یکدیگر و تحکیم وحدت بین مردم کشور و سایر موارد فرهنگی بوده است. بنابراین امروزه ساحت‌ها و اهداف توسعه توریسم در ایران و- حتی سایر ملل- به نسبت مقاصد و اهداف گذشته دارای ابعاد گسترده‌تر و انگیزه‌های متنوع‌تر و بعضاً مهمتری شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی و منقلب شدن بنیان‌های ساختاری، تشکیلاتی، مدیریتی، عقیدتی و ایدئولوژیکی در کشور، پرداختن به مقوله گردشگری و توسعه توریسم مراحل گوناگون مختلفی را به خود دید و می‌توان اشاره کرد که در آغاز انقلاب نوعی توریست ستیزی ناشی از پیشینه ذهنی از توریست با توجه به ساختار سیاسی و وابستگی شدید فرهنگی به غرب و برخی افکار ابتدایی انقلاب در تلقی جاسوس یا عیاش بودن مسافران خارجی به وجود آمد که موجب رکود شدید و افت تعداد گردشگران وارد شده به ایران گردید و در حالی که گذر از این دوره در شرف انجام بود متأسفانه به علت تحمیل شدن جنگ ناخواسته و بمباران شهرها و نبود امنیت، این بار موجب بروز توریست‌گریزی و رکود شدید این صنعت گردید با پایان جنگ و ارتقاء ضریب امنیت و نیز رویکردهای جدید مدیریتی در کشور این بار سیاست و برنامه توریست‌پذیری در سرلوحه برنامه‌های توسعه این فعالیت قرار گرفت که موجب افزایش سالانه آمار گردشگران در کشور شد.

علیرغم افزایش محسوس آمار جهانگردان در ایران هنوز سهم ایران از این لحاظ بسیار ناچیز می‌باشد و آنگونه که پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشورمان ایجاب می‌کند کسب درآمد ارزی حاصل از توریسم بسیار کمتر از مقداری است که در ایران با توجه به این سرمایه‌های بالقوه در زمینه جذب گردشگر باید بدست آورد. بر اساس گزارش سازمان جهانی جهانگردی، ایران رتبه دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی و رتبه پنجم جاذبه‌های طبیعی را در جهان داراست و یکی از امن‌ترین کشورهای منطقه و جهان از لحاظ امنیت برای گردشگران خارجی است با این حال اقدامات زیرساختی برای این حوزه انگار هنوز به میزانی نیست که واژه گردشگری برای ایران به توسعه‌ای که شایسته آن است دست یابد و مزین به نام صنعت گردشگری شود زیرا هنوز هم وقتی کشورمان را با سایر کشورهای منطقه که بیشترین درآمد را از محل جذب گردشگر دارند مقایسه می‌کنیم متوجه اختلاف فاحش در کسب درآمدهای ایران از محل ورود توریست به کشورمان می‌شویم و این در حالی است که کشورهای منطقه به هیچ وجه صاحب جاذبه‌های تاریخی و طبیعی در حد ما نیستند.

بر طبق آمار و گزارش‌ها سهم ایران از توریست جهان بسیار ناچیز بوده و رتبه 57 در میان کشورهای جهانگردپذیر اصلاً خوشایند نیست حتی در میان کشورهای اسلامی منطقه نیز و با وجود مواهب بی‌شمار در زمینه گردشگری و جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و نیز مذهبی مانند مشهد و قم هنوز نتوانسته ایم به تراز جذب گردشگر در کشورهای اسلامی چون مالزی، ترکیه، عربستان و مصر برسیم، آمار نشان می‌دهد که 10 درصد توریست‌های دنیا متعلق به گردشگران کشورهای اسلامی است که 6/4 درصد از کل گردشگران دنیا متعلق به این چهار کشور اشاره شده و 3/6 درصد نیز مربوط به سایر کشورهای اسلامی است که از این مقدار مانده نیز سهم بسیار کمی عاید کشورمان شده است (پاک، آرزو؛ 1389: 497).

به نظر کارشناسان کمبود امکانات مالی برای توسعه تجهیزات موردنیاز در صنعت توریسم و شبکه راه‌ها و حمل و نقل و مواردی دیگر موجب شده تا ما از برکات و فواید این صنعت تا حد زیادی محروم بمانیم و تا زمانی که گسترش این صفت به عنوان یک ضرورت در کشور از جهت کسب منبع درآمد و نیل به اهداف ملی و فراملی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تلقی نشود و فرهنگ سازی مناسب در این زمینه صورت نگیرد گردشگری ما با وجود این همه پتانسیل متعدد رونق پیدا نمی‌کند. اهمیت مساله وقتی هویدا می‌شود که طبق مطالعات انجام شده در صورتی که ایران قادر باشد سالانه تنها 12 میلیون گردشگر جذب کند درآمد ارزی حاصل از هر گردشگر برابر ارزش ده‌ها بشکه نفت خواهد بود و درآمد بخش گردشگری جانشین درآمد نفت خواهد شد و این یعنی درآمدی پایدار از صنعتی پایدار که همان مصداق توسعه پایداری است که امروزه دغدغه تمام کشورها در سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه می‌باشد.

2- گردشگری روستایی ابعاد و قابلیت‌ها

گردشگری دارای اشکال و انواع گوناگون است و این گوناگونی و تنوع موجب شده تا تعاریف و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای آن ارایه شود برای مثال والن اسمیت در طبقه‌بندی خود به 6 نوع توریسم اشاره می‌کند که عبارتند از: 1- توریسم قومی (باهداف آشنایی با زندگی افراد بومی و اقوام محلی) 2- توریسم هنری (با هدف آشنایی با هنر ملل) 3- توریسم طبیعت‌گرایی (با تاکید بر جاذبه‌های طبیعی و محیطی) 4- توریسم تاریخی (باهداف آشنایی با جاذبه‌های تاریخی و باستانی) 5- توریسم تفریحی و ورزشی و 6- توریسم کاری و حرفه‌ای (اعم از مأموریت‌های حرفه‌ای و کنفرانس‌ها)؛ چاک وای‌گی نیز در تقسیم‌بندی دیگری توریسم را به 8 دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: 1- مسافرت به قصد تماشا 2- سفرهای حادثه‌جویی 3- توریسم روستایی 4- سفرهای آموزشی 5- توریسم فرهنگی 6- سفر برای درمان 7- سفر برای تجارت و 8- سفرهای عصر نوین (ویسی و پناهی؛ 1386: 333).

با بررسی این دسته‌بندی‌ها و سایر تقسیم‌بندیها که توسط صاحب‌نظران موضوع گردشگری ارایه شده است مشاهده کنیم که گردشگری روستایی و بهره‌بردن از مواهب و قابلیت‌های روستا و طبیعت زیبای آن از ارکان اصلی مقوله گردشگری میباشند به طوری که امروزه افزایش تقاضا برای گردشگری روستایی در سراسر جهان منجر به توجه حداکثری برنامه‌ریزان در توسعه این قسم از گردشگری شده است از عمده‌ترین دلایل رشد گردشگری روستایی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش علاقه نسبت به میراث فرهنگی باعث افزایش تمایل به مناطق روستایی شده است زیرا در بسیاری از کشورها از جمله ایران، مناطق روستایی محل قرارگیری بسیاری از جلوه‌های میراث فرهنگی است.

- افزایش آگاهی جامعه در خصوص شیوه‌های معیشت زندگی روستایی در کنار بهره‌بردن از مواهب طبیعی و زندگی پاک و سالم روستا و تفریحات و لذت‌های مختص به این مناطق

- توسعه نسبی شبکه حمل و نقل و دسترسی به مناطق روستایی و افزایش توره‌های مسافرتی و گردشگری به این مناطق

روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میباشند که اکثریت ساکنان شاغل آن به طور مستقیم و غیر مستقیم به یکی از فعالیت‌های اصلی زراعی، دامداری، باغداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیت‌ها اشتغال دارند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی بین اعضای این جوامع برقرار است؛ روستا چهره‌ی نجیب زندگی اجتماعی و مامن نخستین تجارب یکجانشینی در تاریخ حیات بشری است سادگی روابط افراد جامعه روستایی از یکسو و لزوم تلاش همگانی آنان در عرصه تولید از سوی دیگر موجب ایجاد تفاوت‌های ماهوی میان زندگی و به تبع آن تمایز کالبدی روستاها با شهرها شده است که اتفاقاً یکی از مهمترین علل گسترش تمایل به گردشگری روستایی در همین وجه تمایز روستا با زندگی شهری می‌باشد.

گردشگری روستایی امروزه به عنوان یک بخش از بازار و یکی از مردمی‌ترین نوع گردشگری مورد توجه بسیاری از گردشگران قرار گرفته است، این بخش از گردشگری به عنوان یک مقصد هم‌دارای مشتریان خاص خود است که روز به روز در حال رشد بوده و مشتریان و بازدیدکنندگان بیشتری را به سمت خود جذب می‌کند؛ آنچه گردشگران را جذب نواحی روستایی می‌کند متنوع بوده و از سکوت محض و آرامش طبیعت جاذبه‌های مذهبی به تاریخی تفریحی مختص به خود تا سایر انواع جاذبه‌هایی را که در شهرها نیز یافت می‌شود را در برمی‌گیرد (قاسمی و شهابی، 1387: 56).

منابع عمده گردشگری روستایی بسته به اقلیم، محیط، فرهنگ و مناطق مختلف دارای ابعاد و انواع گوناگون میباشند از جمله منابع طبیعی (شامل منابع آبی، جنگل‌ها، پوشش گیاهی، اکوسیستم‌های کوهستانی، زندگی جانوری، چشمه‌های آب گرم، معادن و ذخایر، غارهای طبیعی، کوه‌ها و بیابان‌ها و اقلیم و فضاهای روستایی ویژه) منابع طبیعی (شامل اماکن تاریخی و باستانی، اماکن مذهبی و زیارتگاه‌های مقدس، آداب و رسوم محلی، شیوه‌های معیشتی، موسیقی، رقص و بازی‌های محلی، لباس و پوشش مردم محلی) و جاذبه‌های ویژه (شامل پارک‌های موضوعی، پیست‌های ورزشی، فعالیت‌های تفریحی)، که این قابلیت‌های متنوع را اغلب میتوان در یک منطقه مشاهده نمود و یا به صورت مستقل هم هر کدام از این موارد دارای کشش و جاذبه منحصر به خود میباشند که اغلب در جایی دیگر یافت نمی‌شوند.

با عنایت به تعریف گردشگری روستایی که غیر از گردشگری کشاورزی تمامی فعالیت‌های گردشگری در مناطق روستایی را شامل می‌شود (یعقوب پور و دیگران، 1386: 314) (تعریف کمیسیون اروپایی توریسم در سال 1986) و اینکه مناطق و محیط‌های روستایی پیوندی ناگسستنی با محیط زیست و منابع طبیعی و اکوسیستم دارند لذا موضوع اکوتوریسم با توریسم روستایی گره خورده است چرا که اکوتوریسم به گردشگری از طبیعت و محیط زیست اطلاق می‌شود که در بسیاری از موارد مشترکاتی با گردشگری روستایی دارد که قطعاً اهمیت و گستردگی این نوع گردشگری را نشان می‌دهد.

3- پیشینه گردشگری روستایی

تفکر اولیه و پایه گذاری گردشگری روستایی به منظور بازدید از مناطق روستایی به منظور گذراندن اوقات فراغت، به زمانی پس از انقلاب صنعتی در اروپا بازمی‌گردد که در اوایل و بر اثر صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی و مهاجرت روستا-شهری در کنار عواملی چون توسعه حمل و نقل، افزایش سطح درآمد و افزایش اوقات فراغت این امکان را مهیا نمود که تعداد افراد بیشتری از حومه شهرها دیدن کنند و اساساً تحول تدریجی جامعه از روستایی به سبکی که عمدتاً شهری بوده را می‌توان عامل اصلی توسعه گردشگری روستایی دانست که در ادامه تحت تاثیر عواملی چون آلودگی محیط زیست شهری و فشار و استرس‌های روانی ناشی از محیط‌های کار و زندگی از طرفی و تفکرات فلسفی بازگشت به طبیعت و احیا مجدد طبیعت‌گرایی، باعث توجه شهرنشینان به روستاها علی‌الخصوص روستاهای خوش آب و هوای مجاور شهرها گردید که این روستاها اغلب در ایام پایان هفته به عنوان مکانی جهت روی آوردن مردم خسته از زندگی شهری و روزمره‌گی‌های کار و معیشت توسعه پیدا کردند (قاسمی و شهابی؛ 1387: 57).

در ایران اگرچه نوع فرهنگ اجتماعی و معیشتی از دیرباز پیوندی محکم مابین شهر و روستا برقرار نموده است اما اصطلاح «گردشگری روستایی» به معنای خاص و تخصصی خود قدمت چندانی ندارد و هر چند که گردش در مناطق طبیعی که غالباً با شکار نیز همراه بود توسط پادشاهان و حکمرانان تاریخی سابقه طولانی دارد اما گردشگری روستایی مبتنی بر برنامه ریزی آگاهانه و تلقی آن به عنوان یک صنعت کسب درآمد و نیل به توسعه سابقه زیادی ندارد که با گسترش صنعت گردشگری در طی سالیان اخیر و بوجود آمدن سازمان‌های دیگر موجب توجه برنامه ریزان به آن شده است آن گونه که براساس مصوبه شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری تا سال 1404 باید آمار گردشگران ورودی ایران به 20 میلیون نفر برسد که بیشترین سهم از این ارقام نیز از راه طبیعت گردی و به خصوص گردشگری روستایی و عشایری پیش بینی گردیده است (یعقوب پور و دیگران؛ 1386: 319).

برگزاری تورهای گردشگری در طی سال‌های اخیر به روستاهای توریستی، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی هنری گردشگری روستایی و عشایری، انجام طرح‌های مطالعاتی روستاهای دارای بافت با ارزش توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و نیز تدوین برنامه‌های توسعه گردشگری در محیط‌های روستایی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در 365 روستا به عنوان روستاهای هدف گردشگری، همه حکایت از رویکرد به توسعه این قسم از گردشگری در کشوری باشند چرا که روستاها و مناطق عشایری بکر و دست نخورده ایران برای گردشگران جهان از جذابیت ویژه‌ی برخوردار است و ثانیاً این برنامه‌ها آثار مثبت دیگری نیز در توسعه روستاها به دنبال دارد که به آنها اشاره خواهد شد.

4- توسعه پایدار و گردشگری روستایی

با مشکلاتی که فراروی زندگی بشر و مخاطراتی که آینده بشر را از نظر محیط زیست و آلودگی‌های محیطی و کاهش منابع انرژی تجدید ناپذیر تهدید می‌کرد از حدود دهه 70 قرن گذشته توسعه پایدار و برقراری پایداری در عرصه

های محیطی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک التزام در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ملل رواج یافت بدین مضمون که توسعه‌ای پایدار تلقی می‌شود که ضمن برآوردن نیازهای عصر حاضر توانایی بهره‌برداری نسل‌های آتی را نیز در نظر بگیرد.

با تعاریفی که آمد گردشگری روستایی گونه‌ای از گردشگری است که در زمره توسعه پایدار روستایی قرار می‌گیرد مفهوم پایداری موازنه دقیق میان نیازهای ضروری امروز و فردا است و نیز میان انگیزه‌های خصوصی و اقدامات عمومی در تنگنای حرص و ترحم اجتماعی افراد و همدردی اجتماعی می‌باشد بر این اساس توسعه پایدار گردشگری در روستا که مفهومی است که در آن تامین مستمر نیازها و رضایت مندی، همراه با افزایش کیفیت زیست بومی سکنه روستا را در نظر دارد که در آن گسترش صنعت جهانگردی و جذب جهانگردان با استفاده از منابع و جاذبه‌های موجود روستا، به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که ضمن پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ضوابط قانونی و انتظارات جهانگردان، بتوان وحدت و یکپارچگی و هویت فرهنگی، سلامت محیط زیست، تعادل اقتصادی و رفاه جامعه میزبان و میهمان را به طور متوازن و پیوسته در حد بهینه تامین کند. (اکرمی و طاهری؛ 1387: 75). در خصوص موضوع روستا و مقوله گردشگری در آن باید اذعان نمود که روستا جدای از جاذبه‌های طبیعی و محیطی ویژگی‌های متمایز دیگری مانند نوع معماری و بافت کالبدی روستا نوع روابط اجتماعی، فعالیت‌های معیشتی، شیوه سخن گفتن، نوع لباس پوشیدن، نحوه زندگی و کار مراسم و آیین‌های محلی و بسیاری از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و عملکردی دارد که خصوصیتی خاص و منحصر به آن بخشیده است به طوری هر گونه طراحی و مداخله و برنامه‌ریزی در آن حساسیت خاصی داشته لذا باید با وسواس و دقت بیشتری انجام شود چرا که هر گونه توسعه گردشگری در این زمینه مستقیماً زندگی اجتماعی و محیطی روستا و اهالی آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد لذا هنگامی میتوان توسعه گردشگری در روستا را توسعه ای پایدار قلمداد نماییم که منافی پایدار را برای روستا به دنبال داشته باشد برای نمونه گردشگری وقتی به توسعه روستایی کمک خواهد کرد که برای روستا منافع اقتصادی همراه داشته باشد و با در نظر داشتن روستاییان به عنوان کسانی که از عواید طرح بهره‌مند می‌گردند امکان افزایش درآمد اقتصادی خانوارهای روستایی را در روند توسعه امکان پذیر سازد چرا که هر گونه طرح و برنامه‌ای که بدون مشارکت پذیری، آگاه‌سازی و توانمندسازی روستاییان اجرا شود قطعاً یا با شکست مواجه شده و یا اثراتی زودگذر و مقطعی و ناپایدار خواهد داشت و حتی در ابعادی غیر اقتصادی هم به هیچ وجه توسعه‌های پایدار اجتماعی و فرهنگی و محیطی به بار نخواهد نشست؛ به جرأت می‌توان ادعا کرد که در مقوله گردشگری پایدار روستایی اولین و مهمترین شرط رویکردی باید با محوریت جامعه میزبان (روستا) باشد و پس از آن جهانگرد و سایر اولویت‌ها باید لحاظ گردد.

در خصوص برقراری توسعه پایدار گردشگری در روستا باید اشاره کرد که تعادل و هماهنگی میان اجزای مختلف فعالیت گردشگری نقش به‌سزایی در تامین اهداف و حداکثر بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های حوزه‌های گردشگری را خواهد داشت اگرچه عوامل بی‌شماری در توسعه گردشگری نقش دارند و ارتباط و تعامل بین آنها توسعه را شکل می‌دهد اما سه عامل عمده اصلی در توسعه گردشگری، عبارتند از: گردشگران، مردم منطقه (مقصد) و ویژگی‌های مقصد، (قاسمی و شهبایی؛ 1387: 59) و میزان انطباق و همپوشی این سه مورد منطقه‌ای را به وجود می‌آورد که در آن توسعه یکپارچه تحقق پیدا می‌کند.

همانگونه که ملاحظه شد مردم منطقه (در این جا مردم روستا) یکی از ارکان اصلی تامین پایدار و یکپارچگی توسعه گردشگری میباشند که بدون لحاظ نمودن آنها این مهم تامین نخواهد شد اصولاً در برنامه ریزی توسعه گردشگری در روستا راهکارها و شیوه های گوناگون پیش روی مجریان و برنامه ریزان قرار دارد که عبارتند از:

1. اعمال آزادی و اختیار بی قید و شرط در ساختن ابنیه و ویلاهای شخصی توسط افراد مرفه در گذراندن اوقات فراغت

2. فراهم نمودن تسهیلات لازم و مکان مناسب در روستا با سرمایه گذاری های متمرکز توسط سرمایه گذاران و ارتفاع

و بهره آنان از این سرمایه گذاری

3. تلفیق و همگون نمودن هر گونه بهسازی، ساماندهی و توسعه با بافت و محیط روستا و ایجاد تسهیلات و امکانات

گردشگری در درون یا در جوار بافت روستا و با مشارکت خود اهالی روستا البته با تامین سیستم نظارتی و اجرایی (اکرمی و طاهری؛ 1387: 59)

در روش اول با عنایت به نبود هیچگونه ساز و کار نظارتی بیم از بین رفتن کالبد و بافت سنتی روستا، گران شدن زمین و شهری شدن سیمای روستا وجود دارد در ضمن این شیوه بدون توجه به مشارکت اهالی روستا و صرفاً به علت بهره بردن عده ای خاص، قابلیت تامین یکپارچگی و پایداری را نخواهد داشت چرا که رکن اصلی یعنی مردم منطقه روستایی نادیده گرفته است.

روش دوم نیز که به امری متداول و متعارف بدل شده است ساخت و سازهای چون هتل، رستوران، محل بازی و استراحت، امکانات گردشگری را فراهم می کند در این حالت سرمایه گذار خارجی نقش متولی را داشته و اهالی روستا هیچ نقشی ندارند و حتی اگر این شیوه به توسعه و رونق گردشگری در منطقه منجر بشود اما چون برای ساکنین بومی روستا هیچ گونه منفعتی ندارد نمی توان عنوان پویا، یکپارچه و پایدار را بر آن نامید.

اما در حالت سوم چون متولی گردشگری اهالی روستا میباشند، توسعه گردشگری همراستا و همگون با توسعه روستا خواهد شد لذا هم بافت، محیط و کالبد روستا از هر گونه خدشه مصون مانده و هم مشارکت اهالی منفعت اقتصادی را به دنبال خواهد داشت و نیز پویایی و یکپارچگی توسعه را تامین خواهد نمود.

5- پیامدهای مثبت گردشگری روستایی

هر چند که اصلی ترین عامل در گردشگری کسب منبع در آمد و بهره اقتصادی است اما در روستا به علت خصوصیات ویژه محیطی، فرهنگی اجتماعی و کالبدی اهداف و پیامدهای دیگر نیز مد نظر قرار دارند که مهمترین آن نیل به توسعه و عمران و آبادی روستاها از طریق گسترش و توسعه گردشگری در آنها می باشد که در صورت اجرای موفقیت آمیز برنامه ها و اهداف پیامدهای مثبت و مطلوبی را نصیب این مناطق گاهاً محروم از توسعه می نماید عمده ترین این آثار مثبت در گردشگری روستایی عبارتند از:

- 1- توسعه شبکه حمل و نقل، خدمات بهداشتی و درمانی و بهبود کیفیت زندگی روستایی
- 2- توسعه و ایجاد امکانات آموزشی، فرهنگی و مراکز تفریحی و ورزشی برای روستاییان
- 3- افزایش نقش زنان در تولید و عرضه محصولات فرهنگی و صنایع دستی و سایر خدمات
- 4- افزایش احساس مسئولیت و انگیزه، توجه و مراقبت از یادمان ها و آثار تاریخی مهم و محیط زیست توسط روستاییان و سایرین
- 5- افزایش روابط مثبت اجتماعی در جوامع روستایی و جلوگیری از انزوای این جوامع
- 6- شناساندن میراث ملی، فرهنگی و طبیعی کشورمان و برجسته نمودن آنها
- 7- ایجاد شغل های جدید و متعدد حتی برای کسانی که مهارت های شغلی بالایی نداشته باشند
- 8- ساماندهی، بهسازی و توسعه محیط، کالبد و بافت روستا
- 9- کاهش مهاجرت به شهرها به علت رونق و پویایی فعالیت ها و امکان اشتغال زایی مناسب در روستا و حفظ جمعیت محلی
- 10- کاهش و حذف نامتعادلی های اجتماعی در روستاها در مقایسه با شهرها
- 11- احیای فرهنگ بومی و محلی و ارتقای حس خودباوری

6- پیامدهای منفی گردشگری روستایی

گردشگری روستایی نیز مانند هر پدیده دیگری در صورت برنامه ریزی نامناسب و نبود مدیریتی مناسب و عدم ضمانت اجرایی در بهره برداری درست از آن دارای پیامدهای منفی خواهد بود و چه بسا عوارض این آثار منفی از دست آوردهای گردشگری روستایی هم بیشتر شود، چرا که روستا مکانی است بسیار حساس با محیط و طبیعتی لطیف و بعضاً بکر و دست نخورده که نزدیکی و تمرکز یکجا و نقطه ای محل سکونت و محل کار و درآمد و محل منابع زیرزمینی، اهمیت خاصی به محیط آن بخشیده است.

به طور خلاصه میتوان پیامدهای منفی و آثار مخرب و عوارضی را که در صورت پیش بینی نکردن آنها توسعه گردشگری در روستا را با وقفه، رکود و حتی با شکست مواجه نماید ارایه می شود:

1. تغییرات زیاد کاربری زمین های روستایی و خطر سوء استفاده و زمین خواری در اراضی ملی

2. مخدوش شدن بافت و ساختار سنتی و بومی روستا با تحمیل الگوهای شهری و مدرن و غیر همسو با بافت روستایی
3. آلودگی های صوتی، بصری و محیطی و فرسایش خاک، تجمع زباله و تخریب محیط زیست و خطر انقراض گونه های جانوری و گیاهی
4. ورود مظاهر جدید مد و لباس و جلوه های فرهنگی بیگانه و تغییر الگوهای فرهنگی و اجتماعی و رفتاری روستا
5. افزایش قیمت زمین و سطح قیمت خدمات عمومی و محلی به صورت کاذب
6. سوء استفاده از نیروی ارزان کار زنان و کودکان در کارهای خدماتی
7. سکونت و اقامت افراد بیگانه و نا آشنا با فرهنگ بومی و محلی روستا و ایجاد تعارضات و چندگانگی فرهنگی
8. احتمال رواج مظاهر جدید و اغلب نامتعارف جرم و بزهکاری در جوامع روستایی
9. احتمال آسیب رساندن به خدمات محلی در صورت ایجاد مرکز خدماتی بزرگ. (امیرعزیدی و محسنی؛ 1386: 214)

7- مبانی نظری توسعه پایدار گردشگری روستایی

امروزه روش غالب و اساسی که در برنامه ریزی های توسعه به کار می رود نیل به توسعه پایدار با توجه معیارهای اشاره شده آن است این روش مستلزم این است که منابع طبیعی و فرهنگی و سایر منابع گردشگری برای استفاده دائم حفظ شوند در عین اینکه همچنان منافعی برای جامعه امروز داشته باشند. توسعه پایدار در برنامه ریزی گردشگری بسیار حائز اهمیت است چرا که بسترهای اصلی توسعه در این مقوله متکی بر جاذبه ها و فعالیت هایی است که به محیط طبیعی میراث تاریخی و الگوهای فرهنگی مربوط می شود که اگر این منابع ضایع یا نابود شوند هم برنامه ریزی گردشگری با شکست مواجه خواهد شد و هم در بسیاری زمینه ها صدمات بعضاً جبران ناپذیری به ساختارهای محیطی، طبیعی، فرهنگی، سکونتی منطقه ای و ملی وارد خواهد شد که البته در مورد گردشگری روستایی با عنایت به تحت تاثیر قرار دادن بسترهای معیشتی، زیستی، فرهنگی، اجتماعی، و ساختار طبیعی و غالباً بکر محیطی آن، ضرر و زیان هر گونه شکست فزونتر خواهد بود.

در گردشگری روستایی یک روش اساسی برای نیل به توسعه پایدار، برنامه ریزی محیطی می باشد. این برنامه ریزی مستلزم آن است که تمامی عناصر محیطی امکانات و قابلیت ها و محدودیت ها به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و این تحلیل ها نتایجی را به بار آورد که بتواند در بالفعل کردن اهداف و ضوابط عملیاتی از قبیل تعیین مناسب ترین مکان یابی ها، مناسب ترین کاربری ها و مناسب ترین نوع مداخلات و سایر موارد راهگشا باشند.

جنبه دیگر و مهم در توسعه پایدار گردشگری روستایی تاکید و توجه بر گردشگری مبتنی بر جامعه است که در این نگرش، نقش و دخالت جامعه و مردم منطقه (روستا) در فرایند برنامه ریزی گردشگری اهمیت و محوریت خاصی دارد که در صورت مهیا نمودن این شرایط و سایر نیازهای برنامه ریزی است که میتوان تبلور، گردشگری کیفی را مشاهده نمود چرا که کیفیت یکی از اصلی ترین شروط توسعه پایدار است نکته جالب توجه اینکه کیفیت محوری لزوماً به معنای صرف هزینه زیاد و افراط و اسراف در مصرف منابع نیست و به تبع آن گردشگری کیفی الزاماً جهانگیری پرخرج نیست بلکه به آن دسته از جاذبه ها، تسهیلات و خدمات گردشگری اشاره می کند که ضمن آنکه منابع گردشگری حفظ می کنند در مقابل صرف وقت و هزینه پرداختی جهانگرد نیز ارزش دارند همچنین از نظر زیست محیطی و اجتماعی نیز این نوع گردشگری در جذب جهانگردان باریک بین و حساس، قدرت جذب بیشتری دارد. (ابراهیم پورنورآبادی؛ 1386: 293)

8- الزامات برنامه ریزی و مداخله در توسعه پایه گردشگری روستایی

اصولاً در هر فعالیت اجرایی، مبانی نظری و تدوین چارچوبی قوی و منسجم پیش از هرگونه مداخله چقدر اهمیت دارد، برنامه ریزی و تعیین رویکردها و شیوه های مداخله و زمانبندی و بودجه بندی و به طور کلی سازو کارهای قبل از مداخله در آن فعالیت به مراتب اهمیتی بسزا تر دارد؛ بنابراین برنامه ریزی را باید همان خشت اول هرگونه فعالیت دانست که اگر به درستی تمام جوانب در تدوین آن در نظر گرفته نشود نمی توان به موفقیت در اجرا و کسب نتایج مطلوب امیدوار بود؛ ذیلاً مهمترین مواردی را که در توسعه گردشگری روستایی باید از همان آغاز مد نظر قرار گیرند را بررسی می کنیم :

8-1- تناسب بین منابع تخصیص داده شده مالی و بودجه با اهداف اجرایی

اصولاً هر گونه فعالیت اجرایی و توسعه ای نیازمند منابع مالی می باشد که امکان عملی شدن اهداف توسعه را مهیا می کند و آنچه که در توسعه گردشگری امری مهم و تاثیر گذار می باشد توازن و تناسب منابع در نظر گرفته شده با هزینه های پیش بینی شده می باشد چرا که در این گونه توسعه ها نمی توان پروژه ها را - آنگونه که در سایر پروژه های عمرانی مرسوم است - رها کرد و ناتمام گذاشت چرا که ناقص و ناتمام بودن هر گونه تسهیلات در گردشگری و علی الخصوص در حوزه روستایی نه تنها کمکی به تامین اهداف نمی کند بلکه حتی گذر زمان و بعضاً نبود ساز و کار نظارتی و حفاظتی در پروژه های نیمه تمام موجب خسارات و صدمات فیزیکی و کالبدی بر این پروژه ها خواهد شد، بهترین راه حل در این زمینه تقسیم و فازبندی پروژه ها براساس اولویت های مکانی و زمانی می باشد چرا که اتمام یک بخش در طول یک برنامه کوتاه مدت بهتر از رها کردن آن برای مدت نامحدود است.

8-2- ایجاد توازن و تناسب میان ظرفیت گردشگری و تعداد گردشگر

اصولاً وجود تعادل در ظرفیت منطقه گردشگری با تعداد گردشگر و یا به عبارتی دیگر توازن میان تقاضا و قابلیت محیطی و مکانی منطقه گردشگری تاثیر زیادی در تامین آسایش و رضایتمندی بازدید کننده ها و اداره و مدیریت منطقه گردشگری دارد که با عنایت به ویژگی های خاص محیطی روستایی که قبلاً به آن اشاره شد این مساله در مورد گردشگری روستایی اهمیت مضاعف پیدا می کند. شلوغی ها و ازدحام های خارج از کنترل هم خطر آسیب رساندن به جلوه ها و

مظاهر بعضاً بکر و مبتنی بر محیط زیست گردشگری روستایی را به دنبال دارد و هم احتمال کاهش تمایل بازدیدکننده‌ها را. سازمان جهانی گردشگری (W.T.O) عوامل تاثیر گذار در سنجش ظرفیت منطقه در گردشگری روستایی را این عوامل می‌داند:

- برآورد تعداد گردشگران منطقه در فصول مختلف
- تفاوت های اقتصادی میان گردشگران و مردم محلی
- هماهنگی میان گردشگران و پتانسیل های منطقه
- سنجش میزان مقاومت محلی در برابر فرهنگ گردشگران
- بررسی مدیریت روستایی
- آگاه سازی مردم از لذات اقتصادی ورود گردشگران (امیرعزیدی و محسنی؛ 1386: 213)

3-8- تمرکز بر روی موضوع اصلی طرح گردشگری در مدیریت برنامه‌ها و اهداف توسعه

موضوع توسعه گردشگری روستایی به علت خاصیت مکانی و منطقه‌ای آن - که در حوزه روستایی با مجموعه‌ای از نیازها و احتیاجات متعدد به توسعه‌های محیطی و کالبدی - انجام می‌شود باید به گونه‌ای باشد که در مرحله اول با نیت و هدف تاثیر بر فعالیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری روستا یا حوزه روستایی برنامه‌ریزی باشد و اگرچه برنامه‌ریزی و مداخله در بافت روستایی به منظور افزایش و ساماندهی فعالیت‌های گردشگری میتواند آثار مثبت کالبدی، اقتصادی و اجتماعی برای ساکنین داشته باشد اما تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان گردشگری باید توجه داشته باشند که یک برنامه گردشگری، برنامه‌ای برای کاهش فقر یا بهبود کالبدی روستا نیست، به عبارت دیگر اهداف اصلی و افق یک طرح گردشگری با اهداف سایر طرح‌های روستایی متفاوت است اگرچه ممکن است در اهداف ضمنی و تبعی آن - بهبود و ارتقای کمی و کیفی شاخص‌های توسعه‌ای روستا نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تمرکز و توجه به عملی شدن اهداف برنامه توسعه گردشگری روستا باید مد نظر قرار گیرد هر چند که اثرات مثبتی دیگر، توسعه کالبدی روستا هم به دنبال داشته باشد.

4-8- نظارت و کنترل فعالیت‌های توسعه در تطابق با اهداف برنامه‌ریزی شده

جلوگیری از هرگونه رشد خارج از کنترل و خارج از چارچوب برنامه گردشگری آن هم در محیط روستا که از لحاظ زیست محیطی و اجتماعی نسبت به سایر مناطق و نقاط گردشگری آسیب پذیرتر است باید از اولویت‌های برنامه‌ریزی باشد تجربه نشان داده که هر کجا گردشگری به طور اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی توسعه یافته است، مشکلات زیست محیطی و اجتماعی ظهور پیدا کرده اند و در دراز مدت مشکلات فرارو را بیشتر از فواید آن خواهد شد. چرا که توسعه غیر قابل کنترل گردشگری می‌تواند جاذبه یک مقصد توریستی را کاهش بدهد. توجه به حریم‌ها، محدوده‌ها و لبه‌ها و اعمال نظارت بر اجرای اهداف عملیاتی و جلوگیری از هرگونه ساخت و ساز و رشد بی‌رویه در حوزه گردشگری باید در سرلوحه اهداف توسعه باشد.

5-8- یکپارچه کردن و پیوند عملکردها و جاذبه‌های متنوع گردشگری

اصولاً دیدگاه‌ها غالب بر مدیریت توسعه گردشگری باید مبتنی بر دیدگاهی پهنه‌گرا باشد تا نقطه‌گرا، لذا در برنامه‌ریزی باید حتی المقدور سعی بر آن باشد که تمامی جاذبه‌ها و قابلیت‌های گردشگری یک روستا را با سایر پتانسیل‌های آن حوزه روستایی به‌همدیگر پیوند زد و از هر کدام برای تقویت‌گیری و افزایش فعالیت‌های گردشگری استفاده نمود بنابراین هر گونه مداخلات کالبدی، ایجاد دسترسی‌ها و فضاهای جدید باید ضمن پوشش دادن تمامی جاذبه‌های یک روستا بتواند پیوستگی و پیوند با جاذبه‌های سایر مناطق آن حوزه را تامین کند که این مساله در مدیریت و تقاضای توره‌های گردشگری بسیار حائز اهمیت است.

8-6- التزام به رعایت اصل «حدود تغییرات قابل قبول»

بدیهی است که در توسعه‌های مربوط به گردشگری علی‌الخصوص گردشگری روستایی، اعمال تغییرات و مداخله در بافت روستا یا محیط طبیعی امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد اما با عنایت به حساسیت و ویژگی‌های خاص اجتماعی و زیست‌محیطی در حوزه‌های روستایی و اینکه تغییرات زیاد و افراط در میزان مداخلات و دگرگون‌نمودن محیطی در توسعه گردشگری روستایی لطمات جبران‌ناپذیری به محیط زیست و یا ساختارهای کالبدی و اجتماعی روستا وارد می‌کند لذا باید در برنامه‌ریزی‌ها به اعمال تغییرات در حد قابل قبول (LAC: Limits Acceptable change) ملزم بود این اصل نحوه ارتباط مابین شرایط قابل قبول وضع موجود را با وضع مطلوب و هدف برنامه مشخص می‌کند و دامنه و محدوده مداخله در محیط گردشگری را تا حد مجاز تغییرات محیطی تعیین می‌کند. بدیهی است از میان طرح‌ها و برنامه‌ها، هر کدام منجر به حداقل دخالت و تغییر در محیط غالباً بکر و دست‌نخورده روستایی شد میتواند در اولویت انتخاب قرار بگیرد. (قاسمی و شهبایی، 1387: 59)

همانطور که پیش‌تر اشاره شد اصلی‌ترین هدف و حداقل یکی از اصلی‌ترین اهداف نیل به توسعه پایدار گردشگری روستایی، کسب منفعت و بهره‌عمدتاً اقتصادی برای ساکنین روستا و حوزه روستایی واقع در منطقه دارای جاذبه و قابلیت گردشگری میباشد که قاعدتاً بهره‌های دیگری نیز چون توسعه، عمران و آبادانی و ارتقای ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را برای روستا به همراه خواهد داشت. ذکر این نکته الزامی است که حتی اگر موضوع گردشگری در حوزه روستایی، جاذبه‌ای غیر از خود روستا باشد مانند عامل طبیعی، اثری تاریخی و غیره باز هم از نقش روستا یا روستاهای واقع در آن منطقه در فرآیند برنامه‌گردشگری چیزی کم نخواهد شد و از آنجا که در تامین امکانات و تسهیلات به منظور افزایش قدرت کشش و تمایل گردشگران در بازدید از آن منطقه، روستا و اهالی روستا نقش محوری را ایفا خواهند کرد (با توجه به اهداف توسعه پایدار روستایی) لذا در پرداختن به موضوع توسعه پایدار گردشگری روستایی، ساماندهی، بهسازی، و مناسب‌سازی روستا و محیط و بافت آن از ضروریات رسیدن به این اهداف می‌باشند بنابراین توسعه پایدار گردشگری روستایی بدون مداخله در روستا امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و باید به گونه‌ای انجام پذیرد که ضمن حفظ و تداوم کیفیات بالای زندگی روستایی همراستا با اهداف عملیاتی نیل به توسعه پایدار گردشگری باشد که ذیلاً مهمترین الزامات مداخله در توسعه روستایی با محوریت گردشگری به صورت اجمالی اشاره خواهد شد:

- مداخله باید بهسازی و ساماندهی تمام سطح روستا را پوشش دهد.

- مداخله در داخل بافت باید فراتر از حد کفسازی و بدنه‌سازی و در سطحی بالاتر و در عمق کالبد روستا انجام پذیرد.
- مداخله باید خدمات زیر ساختی در بافت روستا را سامان دهد.
- مداخله باید در سطح فرهنگی و اجتماعی نیز تسری یابد
- مداخله باید طرح‌ها و دخالت‌های قبلی غیر اصولی در روستا را ساماندهی کند
- مداخله در نهایت باید کیفیت زیست بومی و سطح معیشتی در روستا را ارتقاء دهد. (اکرمی و طاهری؛ 1387: 78).

9- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که اشاره شد روستاهای کشور ما از یک قابلیت فرهنگی غنی برخوردار هستند مانند زبان و گویش‌های محلی مختلف، پوشش و لباس متنوع، انواع غذاهای محلی، موسیقی، آداب و رسوم، صنایع دستی، فعالیت‌های متنوع کشاورزی، بازارهای محلی که در کنار اقلیم‌های گوناگون و خصوصیات متنوع طبیعی، محیطی و کالبدی چهره‌ای خاص به این مناطق بخشیده است، این جلوه‌های غنی فرهنگی با مهاجرت روستاییان به شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ، از سال‌های گذشته و به تدریج در فرهنگ شهری ادغام شده و از دست رفتن تنوع و جاذبه منحصر این جلوه‌ها همواره به عنوان عامل خطری برای قابلیت‌های فرهنگی کشورمان بوده است لذا احیا و تقویت و حفاظت از این جنبه‌ها برای کشورمان که بیش از 60٪ گردشگران آن با اهداف فرهنگی وارد می‌شوند به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌ها و برنامه‌ها باید در دستور کار قرار گیرد.

در خصوص برنامه‌های توسعه گردشگری روستایی باید اشاره کرد که واقعیت امر این است برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های پراکنده و بریده شده از مبدأ و خاستگاه اصلی جلوه‌های فرهنگی زندگی روستایی نمیتواند راهگشا و حلال مشکلات در عرصه گردشگری روستایی باشد چرا که بهترین محل برای مشاهده این پتانسیل‌ها و این سرمایه‌های غنی همان روستاها و به صورت طبیعی و واقعی می‌باشند و به جای جدا کردن این مظاهر از خاستگاه واقعیشان منطقی و الزامی این است که با عملی نمودن برنامه‌ها و اهداف توسعه گردشگری در این مناطق - که به مهمترین آنها اشاره شد - هم زمینه رونق و شکوفایی گردشگری ایجاد کرد و هم توسعه و عمران و آبادانی روستا را فراهم نمود که نیل به توسعه پایدار در التزام به تامین این اهداف مقدور خواهد بود.

گردشگری روستایی با توجه به مزیت‌ها و دستاوردهای چندگانه توسعه آن امروزه در رأس برنامه‌ریزی‌های حوزه توریسم کشورها قرار دارد و این مهم به قدری در حال گسترش است که اندونزی با رونق گردشگری روستایی اش اقدام به توسعه کشتزارهای جاوه و سوماترا کرده است و با وجود اقامت گردشگران در هتل‌های شهری اندونزی، فعالیت‌هایی مانند کشت برنج و یا به عمل آوری کائوچو در مزارع، مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد، در ژاپن نیز رایج‌ترین گونه گردشگری روستایی شامل اقامت در مزرعه و استفاده از غذاهای کشاورزان است، در کره جنوبی زندگی گروهی با ساکنان روستاها تدارک دیده می‌شود و در مالزی دولت اقدام به حمایت مالی و سرمایه‌گذاری در بیش از 30 نقطه گردشگری روستایی جهت آموزش و ایجاد سرگرمی و امکانات تفریحی نموده است، (پاک؛ 1389: 497)؛ جالب‌تر اینکه حتی امروزه

روستاهای برخی کشورها جدای از قابلیت‌های ذاتی و کالبدی و فرهنگی خود می‌توانند محلی برای نمایش استفاده از تکنولوژی و قابلیت‌های بومی در تامین آسایش و رسیدن به توسعه پایدار مطرح باشند به طور مثال در حال حاضر موسسات تحقیقاتی کشورهایی چون هند، پاکستان، چین، ژاپن و انگلیس توجه خود را به ساخت پانل‌های بتنی تقویت شده با الیاف و قابلیت‌های استفاده از بامبو، سبوس برنج و مواد سلولزی در تولید دیوارهای کاغذی معطوف نموده‌اند از که ورود این فرآورده‌ها به تکنولوژی نوین اهمیت روستاها و نقش آنها را بیشتر جلوه‌گر نموده است و یا فن آوری تولید گاز متان از فضولات حیوانی، انسانی، شاخ و برگ و پسماندهای کشاورزی که به بیوگاز مشهور است جدای از تامین اهداف تولید انرژی ارزان قیمت، و بهسازی زیست محیطی به عنوان جاذبه‌های تکنولوژیکی در روستاهای این کشورها مطرح شده‌اند (سرتیپی پور، 1387: 11).

هدف از طرح مسائل فوق بیان تنوع جاذبه‌های موجود و به وجود آمده در روستاها و جایگاه ممتاز گردشگری روستایی در تجارب جهانی می‌باشد اما در عین حال باید دوباره اهمیت و حساسیت امر را در حفظ محیط زیست و جلوگیری از مخدوش شدن چهره نجیب زندگی اجتماعی و لزوم حراست از بسترهای فرهنگی، بومی، معیشتی و نیز جلوه‌های کالبدی در روستا را متذکر شویم.

یکی از آفت‌های مضر در توسعه گردشگری روستایی ورود الگوهای شهری معماری و از بین رفتن ساختار کالبدی و معماری روستا می‌باشد که این ویژگی کالبدی خود به عنوان یکی از مهمترین جاذبه‌ها در روستاها مطرح می‌باشد، همه آگاهند که اگر روستای گورنای مصر شهرتی بین‌المللی دارد صرفاً به علت تطابق طراحی و ساماندهی آن با ویژگی‌های سنتی و بومی روستاهای مصر و وفاداری حسن فتحی به این ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، معیشتی و کالبدی روستا در طرح ساماندهی آن می‌باشد (فتحی، 1382) و این در حالی است که در کشور ما و به بهانه ساخت یا بهسازی مسکن روستایی و با اعطای تسهیلات بانکی جهت نیل به توسعه! بیشترین خدشه به بافت‌ها و جلوه‌های بومی معماری روستایی وارد آمده است چرا که ساز و کار منسجم و هماهنگی در سنجش و ارزیابی میزان تطابق این طرح‌ها با معماری روستاها وجود ندارد و دیری نخواهد پایید که شاهد تبلور شکل و بافت کوچک شده‌ای از شهرها خواهیم بود که فقط اسم روستا و محیط روستایی را به صورت ظاهری خواهند داشت و این سرمایه‌های معماری در کنار سایر ویژگی‌ها و قابلیت‌های سنتی - بومی نیز کم کم به باد فراموشی سپرده خواهند شد.

بی‌توجهی به زیرساخت‌های گردشگری و نیز ساماندهی حضور گردشگران در برخی مناطق روستایی کشورمان در سال‌های اخیر انباشت زباله در این مناطق و تخریب‌های زیست محیطی مختلفی را موجب شده است از طرفی عدم سازماندهی و آموزش کافی گردشگران در تبیین حساسیت و ویژگی‌های خاص مناطق روستایی یکی دیگر از معضلات موجود می‌باشد چنانکه به طور مثال علت اصلی آتش‌سوزی چند ماه گذشته پارک ملی گلستان را در عدم رعایت مسائل ایمنی توسط گردشگران گزارش داده‌اند، واقعیت این است که رغبت و رضایت جامعه میزبان در تأمین رونق گردشگری فاکتوری بسیار مهم می‌باشد چرا که یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار گردشگری جامعه مقصد و میزبان می‌باشد و اگر مطابق تحقیقات انجام گرفته اهالی روستای ابیانه، مسافر گریز شده‌اند و اهالی ماسوله نیز برخلاف سابق، انگیزه میزبانی و مهمان‌نوازی خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند به علت عدم تعامل مناسب ما بین گردشگر و جامعه مقصد در آسیب‌های زیست محیطی و خدشه‌های فرهنگی - اجتماعی وارده بر روستاها می‌باشد؛ بنابراین صرفاً برنامه‌ریزی‌های سخت

افزایی و احداث و ساخت اماکن در سرمایه گذاری های توسعه گردشگری کافی نیست بلکه امور نرم افزاری از جمله آموزش عوامل موثر در گردشگری مانند گردشگران و میزبانان باید مهمتر از توسعه های کمی مد نظر قرار گیرد چرا که در تمامی دستورالعمل هایی که توسط صاحب نظران امر گردشگری ارائه شده است جدای از مواردی در خصوص جامعه مقصد، مدیریت مقصد و مدیریت بنگاه های فعال در عرصه گردشگری، به لزوم پذیرفتن مسئولیت خودآموزی در زمینه ارزش های جامعه مقصد توسط گردشگران به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار در این صنعت اشاره شده است لذا تأکید می دارند که گردشگری به طور عموم و گردشگری روستایی به طور اخص باید یک سفر متعهدانه باشد که در آن بازدید کننده نسبت به تأثیر رفتار خود بر فرهنگ و محیط جامعه مقصد آگاهی داشته باشد (رنجبریان و زاهدی، 1388: 56)؛ بدیهی است که تبلیغات و برنامه ریزی های جذب گردشگر نیز از جمله ضروریات امور نرم افزاری می باشد که متأسفانه در کشور ما آنگونه که شایسته و بایسته است اهمیت داده نمی شود حتی مسئولان ذیربط امور گردشگری نیز خود به آن اقرار می کنند که در کشور ما بودجه جذب گردشگر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری حدود یک میلیون دلار بوده در حالی که در کشور همسایه و البته رقیب در عرصه گردشگری یعنی ترکیه، بودجه تبلیغات گردشگری حدود چهارصد میلیون دلار می باشد که البته این نوع اعتبار قائل شدن در گردشگری اثرات مثبت عمومی و بازده اقتصادی خودی قطعاً بروز خواهد داد همچنانکه در ترکیه بروز داده است.

آنچه ذکر آن امید بخش است این نکته است که خوشبختانه اکثر قریب به اتفاق روستاهای ایران چه روستاهای کویری، کوهستانی یا کوهپایه ای قابلیت تبدیل به نقاط گردشگری در حوزه های بین المللی، ملی، ناحیه ای و منطقه ای را دارند و بی انصافی است که فقط روستاهای ماسوله، ایبانه، کندوان، کندلوس، میمند، اورامان و غیره را جاذبه های گردشگری به حساب آوریم چرا که سایر روستاها نیز به شرط توجه و تأمین شرایط لازم قابلیت جذب گردشگری را دارند به طور مثال در روستای بوانات استان فارس به همت یکی از اهالی، گردشگری روستایی رونق خوبی یافته و این نقطه مورد استقبال گردشگران خارجی نیز قرار گرفته است چنانکه مرد روستایی این دیار با همکاری خانواده اش که همگی لباس محلی به تن دارند ضمن پذیرایی اصیل از مسافران با خوراک و سوغات محلی آنان را روانه دیارشان می کنند. (پاک، 1389: 497) و این همان حداقل دست آوری است که قابلیت تسری و تعمیم در سراسر روستاهای ایران را دارد.

در خاتمه یکبار دیگر باید اهمیت صنعت گردشگری این صنعت بی دود را یادآور شویم چرا که مطابق بررسی های به عمل آمده از هر شش شغل مهم دنیا یکی در ارتباط با صنعت گردشگری می باشد و به ازای هر بیست نفر توریست وارد به کشور، یک شغل ایجاد میشود (کیاکجوری و رودگر نژاد، 1386: 374) لذا این صنعت میتواند به عنوان یکی از مهمترین، پر بازده ترین و اشتغالزاترین صنایع جهان مطرح باشد چرا که قادر است در کمترین زمان نیروهای کاری ساده را با آموزش های کوتاه و میان مدت در چرخه اقتصاد وارد نماید و در این بین توسعه گردشگری روستایی با آن همه وسعت جاذبه و تنوع مبتنی بر ارزش ها و سرمایه های اجتماعی - فرهنگی میتواند ضامن توسعه و آبادانی روستاها و نیز رونق گردشگری و نیل به توسعه پایدار باشد.

مراجع:

- [1] ابراهیم پور نورآبادی ، مریم (1386)؛ «مدیریت و برنامه ریزی گردشگری» ، مجموعه مقالات همایش جغرافیا ، گردشگری و توسعه پایدار ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- [2] اکرمی ، غلامرضا – طاهری، نوید (1387) ، «بهبودی بافت با ارزش روستای زیارت با الگوی گردشگری» ، فصلنامه آبادی ، شماره 59
- [3] امیر عضدی ، طوبی – محسنی ، ناصر (1386) ، «اثرات گردشگری روستایی در توسعه روستایی» ، مجموعه مقالات همایش جغرافیا ، گردشگری و توسعه پایدار ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- [4] پاک‌آرزو (1389) ، «سهم ناچیز ایران از درآمد گردشگری» ، روزنامه فرهیختگان ، - شماره 497
- [5] رنجبریان ، بهرام و زاهدی ، محمد (1388) ، شناخت گردشگری ، تهران ، نشر چهارباغ ، چاپ هفتم
- [6] سرتیپی پور ، محسن (1387) ، «تجارب خارجی تأمین مسکن روستایی» - فصلنامه آبادی ، شماره 59
- [7] فتحی ، حسن (1387) ، ساختمانسازی با مردم ، ترجمه دکتر علی اشرفی ، تهران ، نشر دانشگاه هنر
- [8] قاسمی ، ایرج – شهابی ، منیرالسادات (1387) ، «الزامات مداخله در بافت های روستایی و توسعه گردشگری» ، فصلنامه آبادی ، شماره 59
- [9] کیا کجوری ، کریم – رودگر نژاد ، فروغ (1386) ، «توریسم ورزشی و توسعه اقتصادی» ، مجموعه مقالات همایش جغرافیا ، گردشگری و توسعه پایدار ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- [10] ویسی ، رضا – پناهی ، نورالدین (1386) ، «پیامدهای زیست محیطی گردشگری و توسعه پایدار» ، مجموعه مقالات همایش جغرافیا ، گردشگری و توسعه پایدار ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- [11] یعقوب پور ، فریبا و دیگران (1386) ، «مدیریت و برنامه ریزی گردشگری روستایی» ، مجموعه مقالات همایش جغرافیا ، گردشگری و توسعه پایدار ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر